****

[جهت دوم: بررسی قصد قربت در ذبح 3](#_Toc489365842)

[شرط ایمان در ذبح 3](#_Toc489365843)

[نظر مختار: صحت نیابت عامی 4](#_Toc489365844)

[کلام آیت الله سیستانی: ایمان شرط قبول است 4](#_Toc489365845)

[مناقشه 5](#_Toc489365846)

[جهت سوم: شرطیت انجام ذبح در روز 5](#_Toc489365847)

[کلام محقق خوئی ره 5](#_Toc489365848)

[مناقشه 6](#_Toc489365849)

[نظر مختار: اجزاء ذبح در شب 8](#_Toc489365850)

[جهت چهارم: ترتب در ذبح 8](#_Toc489365851)

[شرط ذکری بودن ترتیب 8](#_Toc489365852)

**موضوع**: ذبح /اعمال منا /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

موضوع جزیی بحث ذبح هست که اشتباهی رمی نوشته شده

تتمه ای از بحث رمی

در رابطه با روایت محمد بن عمر بن یزید: وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُذَافِرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ أَغْفَلَ رَمْيَ الْجِمَارِ أَوْ بَعْضِهَا- حَتَّى تَمْضِيَ أَيَّامُ التَّشْرِيقِ فَعَلَيْهِ أَنْ يَرْمِيَهَا مِنْ قَابِلٍ- فَإِنْ لَمْ‌ يَحُجَّ رَمَى عَنْهُ وَلِيُّهُ- فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ- اسْتَعَانَ بِرَجُلٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَرْمِي عَنْهُ- فَإِنَّهُ لَا يَكُونُ رَمْيُ الْجِمَارِ إِلَّا أَيَّامَ التَّشْرِيقِ.[[1]](#footnote-1)

اشکال شده که اغفل در لغت به معنای ترک از روی عمد است و شامل ترک از روی نسیان نمی شود و لذا این روایاتی که راجع به ترک نسیان است که می گوید لا شیء علیه و لازم نیست بعد از خروج از مکه، کاری انجام دهد، درباره جاهل و ناسی اقتضاء عدم وجوب قضاء رمی جمار در سال آینده دارد، روایت محمد بن عمر بن یزید درباره ترک عمدی حکم به وجوب قضاء کرده است و اگر هم شک کنیم که اغفل شامل موارد جهل و نسیان بشود، برائت از وجوب قضاء در سال آینده جاری می شود.

این که گفته شده اغفل در لغت در ترک عمدی بکار می رود، به این جهت است که در کتب تاج العروس و العین و المحیط فی اللغة آمده است: أَغْفَلْتَ الشي‌ءَ تَرَكْتَه غَفلًا و أَنْتَ له ذَاكِرٌ، و الاسمُ الغَفْلَ.[[2]](#footnote-2)

لسان العرب: أَغْفَلْتُه و غَفَلْت عنه: وصَّلْت غَفَلي إِليه أَو تركته على ذُكْرٍ. قال الليث: أَغْفَلْت الشي‌ء تركته غَفَلًا و أَنت له ذاكر.[[3]](#footnote-3)

مصباح المنیر: (أَغْفَلْتُ) الشَّي‌ءَ (إِغْفَالًا) تَرَكْتُهُ إِهْمَالًا مِنْ غَيْرِ نِسْيَانٍ[[4]](#footnote-4)

البته در مفردات مطلق معنا کرده است: أغفلت الكتاب: إذا جعلته خاليا من الكتابة و من الإعجام[[5]](#footnote-5)

 اما در مقابل این همه کتاب لغت، مفردات راغب مقابله نمی تواند بکند و لااقل موجب اجمال می­شود.

به نظر ما این اشکال وجیهی است، و لکن گفته نشود که کسی که بعد از ایام تشریق متذکر است، طبق صحیحه معاویة بن عمار تا مکه است باید قضاء کند، چرا که ذیل روایت عمر بن یزید گفته قضاء فقط در ایام تشریق است و در این حکم فرقی بین عامد با جاهل و ناسی نگذاشته است.

البته ما دو اشکال داریم؛

اولا: این نهایتا ناسی را شامل نمی شود، اما اغفل شامل جاهل به حکم که می شود، زیرا متلفت به ترک جمرات است، ترکه من غیر نسیان و لکن ترک ناشی از جهل به حکم است.

ثانیا: به وجدان لغوی آشنا با زبان عربی بعید نمی دانیم که اغفل، مطلق ترک باشد، گرچه چه بسا در مقابل کلمات لغویین، این سخن پذیرفته نشود.

ادامه مباحث ذبح و نحر

## جهت دوم: بررسی قصد قربت در ذبح

ذبح واجب عبادی است و نیاز به قصد قربت دارد، چون از افعال حج است و اتموا الحج و العمرة لله.

### شرط ایمان در ذبح

برخی بزرگان مثل مرحوم امام و گلپایگانی می فرمودند مباشر ذبح باید مومن اثنی عشری باشد، چون ذبح عمل قربی است و عبادت غیر اثنی عشری صحیح نیست من دان الله بغیر امام فالله شانئ لاعماله، اعمال غیر اثنی عشری مبغوض خداست و نمی شود صحیح واقع شود و لذا اگر سنی مباشر ذبح باشد، ذبح از هدی واجب در حج تمتع مجزی نیست.

#### نظر مختار: صحت نیابت عامی

ولی به نظر ما ذبح مثل حلق و تقصیر است و با مثل طواف و سعی و رمی متفاوت است، طاف او سعی او رمی عنه عرفا مستند به منوب عنه نیست و لذا نمی گویند منوب عنه طواف یا سعی یا رمی کرد، اما وقتی به دیگری می گوید ذبح کن، ذبح عرفا به خود مکلف مستند می شود، مثل این که قصاب به درخواست شخصی ذبح می کند، ولی این شخص می گوید گوسفندی ذبح کرده ام.

لذا به نظر ما ذبح سنی هم صحیح است و حتی ذبح کافر از این حیث صحیح است، مگر در تسمیه او اشکال شود.

#### کلام آیت الله سیستانی: ایمان شرط قبول است

البته آیت الله سیستانی فرموده حلق و ذبح نیابتی است، اما ایمان را شرط صحت عبادت نمی دانیم، بلکه شرط قبول می دانیم، هر جا مشهور اختلاف پیدا کنند در این که اثنی عشری بودن نائب لازم است، ولو منشا اختلاف چیز دیگری باشد، می گوییم ولو معتقدیم ذبح و حلق نیابت است، اما نظر خود را اعمال می کنیم که ایمان شرط نیابت شخص نیست، اما در مثل طواف که همه قبول دارند که نائب باید اثنی عشری باشد، در آن جا احتیاط می کنیم که اثنی عشری باشد.

##### مناقشه

اما به نظر ما در حلق و تقصیر این مطلب صحیح نیست، زیرا صدق حلق و ذبح ولو بالتسبیب می کند، ولو حلاق ناصبی یا کافر باشد، زیرا حلق و ذبح، فعلی تسبیبی خود مکلف است.

## جهت سوم: شرطیت انجام ذبح در روز

### کلام محقق خوئی ره

کلام محقق خوئی فرموده ذبح باید در روز انجام گیرد و ظاهرا نظر ایشان به این است که ذبح در شب دهم مجزی نیست، نه این که شب یازدهم مجزی نیست که مطلب صحیحی است، زیرا ذبح در شب عید فقط برای خائف و ضعفاء در صحیحه عبد الله بن سنان تجویز شده است: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا بَأْسَ بِأَنْ يَرْمِيَ الْخَائِفُ بِاللَّيْلِ- وَ يُضَحِّيَ وَ يُفِيضَ بِاللَّيْلِ.[[6]](#footnote-6)

و همچنین در صحیحه زراره و محمد بن مسلم: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: فِي الْخَائِفِ لَا بَأْسَ بِأَنْ يَرْمِيَ الْجِمَارَ بِاللَّيْلِ- وَ يُضَحِّيَ بِاللَّيْلِ وَ يُفِيضَ بِاللَّيْلِ.[[7]](#footnote-7)

و همچنین روایت ابی بصیر: وَ عَنْهُمْ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ‌ أَبِي الْمَغْرَاءِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: رَخَّصَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِلنِّسَاءِ وَ الصِّبْيَانِ أَنْ يُفِيضُوا بِلَيْلٍ- وَ أَنْ يَرْمُوا الْجِمَارَ بِلَيْلٍ- وَ أَنْ يُصَلُّوا الْغَدَاةَ فِي مَنَازِلِهِمْ فَإِنْ خِفْنَ الْحَيْضَ- مَضَيْنَ إِلَى مَكَّةَ وَ وَكَّلْنَ مَنْ يُضَحِّي عَنْهُنَّ.[[8]](#footnote-8)

اگر ذبح در شب عید مجزی می بود، نیاز به توکیل نبود و ظاهر توکیل این است که در شب ذبح نکنند و برای ذبح یوم العید وکیل بگیرند.

اما در شب یازدهم، مرحوم امام فرموده ذبح مجزی است، اگر چه تاخیر آن اختیارا خلاف وظیفه است (مشهور هم تاخیر از روی اختیار را جایز نمی دانند، گرچه ما تاخیر آن را تا انتهاء ایام تشریق جایز می دانیم و البته بالاتفاق تاخیر ذبح، سبب بطلان حج نمی شود) چون دلیل نداریم که ذبح باید در بیاض النهار انجام شود، اما مرحوم خوئی و آیت الله سیستانی احتیاط واجب به ترک ذبح در شب کرده اند، و لو شب های ایام تشریق.

دلیل این نظریه این است که در روایات تعبیر به ایام الذبح شده است، معتبره ابی بصیر: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ تَمَتَّعَ فَلَمْ يَجِدْ مَا يُهْدِي- حَتَّى إِذَا كَانَ يَوْمُ النَّفْرِ وَجَدَ ثَمَنَ شَاةٍ- أَ يَذْبَحُ أَوْ يَصُومُ قَالَ بَلْ يَصُومُ- فَإِنَّ أَيَّامَ الذَّبْحِ قَدْ مَضَتْ.[[9]](#footnote-9)

#### مناقشه

اما به نظر ما ظهور ایام الذبح در بیاض النهار نیست، مثل این که می گوید ایام جوانی ما گذشت، این که به معنای روز در مقابل شب نیست.

اما صحیحه زراره و محمد بن مسلم: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: فِي الْخَائِفِ لَا بَأْسَ بِأَنْ يَرْمِيَ الْجِمَارَ بِاللَّيْلِ- وَ يُضَحِّيَ بِاللَّيْلِ وَ يُفِيضَ بِاللَّيْلِ.[[10]](#footnote-10)

این روایت هم مفهوم مطلق ندارد که دیگران حق ندارند در شب یازدهم و دوازدهم ذبح کنند، چون قدر متیقن از روایت، شب عید است، بله دیگران در شب عید حق ذبح ندارند، اما مفهومش اطلاق ندارد که در شب های بعد هم نمی توانند ذبح کند.

البته اطلاقی هم بر اجزاء ذبح در شب یازدهم و دوازدهم نداریم، لذا باید سراغ اصل عملی برویم و اصل عملی در دوران بین اقل و اکثر متقضی برائت از شرطیت وقوع ذبح فی بیاض النهار است، ولی اطلاق لفظی بر اجزاء ذبح در شب نداریم، فمن تمتع بالعمرة الی الحج فما استیسر من الهدی[[11]](#footnote-11) هم ناظر به نوع حج است که هر چه از بقره یا بدنه یا شاة ممکن بود، ذبح شود، اما در مقام بیان از جهت اجزاء در شب نیست و دیگر روایات هم ناظر به دیگر حیثیات است و اطلاق لفظی ندارد.

این جا موضع تمسک به اطلاق مقامی هم نیست، زیرا شاید ذبح در روز نزد متشرعه متعارف بوده و ائمه علیهم السلام به همین تعارف اکتفاء کرده اند، اطلاق مقامی مربوط به جایی است که غفلت نوعیه از شرطی باشد، اما این جا غفلت نوعیه ثابت نیست و متعارف هم ذبح در روز است.

### نظر مختار: اجزاء ذبح در شب

لذا به نظر ما ذبح در شب یازدهم و دوازدهم مجزی است.

## جهت چهارم: ترتب در ذبح

ترتیب در ذبح شرط است، یعنی ابتداء بایستی رمی جمره عقبه شود و بعد از آن ذبح انجام گیرد، دلیل آن نیز صحیحه معاویة بن عمار است: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا رَمَيْتَ الْجَمْرَةَ فَاشْتَرِ هَدْيَكَ الْحَدِيثَ.[[12]](#footnote-12)

و همچنین صحیحه سعید الاعرج: وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سَعِيدٍ الْأَعْرَجِ فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ النِّسَاءِ- قَالَ تَقِفُ بِهِنَّ بِجَمْعٍ- ثُمَّ أَفِضْ بِهِنَّ حَتَّى تَأْتِيَ الْجَمْرَةَ الْعُظْمَى- فَيَرْمِينَ الْجَمْرَةَ- فَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِنَّ ذَبْحٌ- فَلْيَأْخُذْنَ مِنْ شُعُورِهِنَّ وَ يُقَصِّرْنَ مِنْ أَظْفَارِهِنَّ.[[13]](#footnote-13)

یعنی اول رمی جمره کنند و اگر ذبح به گردن آن هاست، ذبح انجام شود و بعد تقصیر انجام شود و ظاهر آن بیان ترتیب است.

### شرط ذکری بودن ترتیب

البته ترتیب در این جا شرط ذکری است، زیرا بر اساس صحیحه جمیل، حضرت پیامبر اکرم در رابطه با کسانی که ترتیب را در اعمال حج رعایت نکرده بودند، نفی حرج کردند، و اطلاق آن شامل نسیان و جهل حتی جهل تقصیری به ترتیب هم می شود: وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ‌ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الرَّجُلِ يَزُورُ الْبَيْتَ- قَبْلَ أَنْ يَحْلِقَ قَالَ لَا يَنْبَغِي إِلَّا أَنْ يَكُونَ نَاسِياً- ثُمَّ قَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص أَتَاهُ أُنَاسٌ يَوْمَ النَّحْرِ- فَقَالَ بَعْضُهُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي حَلَقْتُ قَبْلَ أَنْ أَذْبَحَ- وَ قَالَ بَعْضُهُمْ حَلَقْتُ قَبْلَ أَنْ أَرْمِيَ- فَلَمْ يَتْرُكُوا شَيْئاً كَانَ يَنْبَغِي أَنْ يُؤَخِّرُوهُ- إِلَّا قَدَّمُوهُ فَقَالَ لَا حَرَجَ.[[14]](#footnote-14)

1. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 262؛ 3 باب أن من نسي أو جهل رمي الجمار حتى خرج وجب عليه العود للرمي و ينبغي أن يفصل بين كل رميتين بساعة فإن تعذر وجبت الاستنابة و إن مضت أيام التشريق ففي قابل ؛ ج 14، ص : 261](http://lib.eshia.ir/11025/14/262) [↑](#footnote-ref-1)
2. [تاج العروس من جواهر القاموس؛ ج‌15؛ 547؛ [غفل‌]: ؛ ج‌15، ص : 547 و المحيط في اللغة؛ ج‌5؛ 84؛ غفل: ؛ ج‌5، ص : 84 و كتاب العين؛ ج‌4؛ 419؛ غفل ؛ ج‌4، ص : 419](http://lib.eshia.ir/86657/15/547) [↑](#footnote-ref-2)
3. [لسان العرب؛ ج‌11؛ 498؛ غفل ؛ ج‌11، ص : 497](http://lib.eshia.ir/20007/11/498) [↑](#footnote-ref-3)
4. [المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي؛ ج‌2؛ 450؛ غفل ؛ ج‌2، ص : 449](http://lib.eshia.ir/86587/1/450) [↑](#footnote-ref-4)
5. [مفردات ألفاظ القرآن؛ -- ؛ 699؛ كتب ؛ ص : 699](http://lib.eshia.ir/15362/1/423/%D8%A3%D8%BA%D9%81%D9%84%D8%AA_%D8%A7%D9%84%D9%83%D8%AA%D8%A7%D8%A8) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 70؛ 14 باب جواز الرمي بالليل و قبل طلوع الشمس مع الخوف و العذر ؛ ج 14، ص : 70](http://lib.eshia.ir/11025/14/70) [↑](#footnote-ref-6)
7. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 71؛ 14 باب جواز الرمي بالليل و قبل طلوع الشمس مع الخوف و العذر ؛ ج 14، ص : 70](http://lib.eshia.ir/11025/14/71) [↑](#footnote-ref-7)
8. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 29؛ 17 باب جواز الإفاضة من المشعر قبل الفجر بعد الوقوف به للمضطر كالخائف و نحوه ؛ ج 14، ص : 28](http://lib.eshia.ir/11025/14/29) [↑](#footnote-ref-8)
9. وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 177؛ 44 باب أن من عدم الهدي و وجد الثمن وجب أن يخلفه عند ثقة يشتريه و يذبحه في ذي الحجة و إلا فمن قابل فيه و من وجد الثمن بعد أيام الذبح صام ؛ ج 14، ص : 176 [↑](#footnote-ref-9)
10. وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 71؛ 14 باب جواز الرمي بالليل و قبل طلوع الشمس مع الخوف و العذر ؛ ج 14، ص : 70 [↑](#footnote-ref-10)
11. [سوره بقره، آيه 196.](http://lib.eshia.ir/17001/1/30/%D8%AA%D9%85%D8%AA%D8%B9_%D8%A8%D8%A7%D9%84%D8%B9%D9%85%D8%B1) [↑](#footnote-ref-11)
12. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 155؛ 39 باب وجوب الابتداء بالرمي ثم بالذبح ثم الحلق فإن خالف ناسيا أو جاهلا أو عامدا أجزأه ؛ ج 14، ص : 155](http://lib.eshia.ir/11025/14/155) [↑](#footnote-ref-12)
13. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 155؛ 39 باب وجوب الابتداء بالرمي ثم بالذبح ثم الحلق فإن خالف ناسيا أو جاهلا أو عامدا أجزأه ؛ ج 14، ص : 155](http://lib.eshia.ir/11025/14/155) [↑](#footnote-ref-13)
14. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 156؛ 39 باب وجوب الابتداء بالرمي ثم بالذبح ثم الحلق فإن خالف ناسيا أو جاهلا أو عامدا أجزأه ؛ ج 14، ص : 155](http://lib.eshia.ir/11025/14/156) [↑](#footnote-ref-14)